

قانون اصول محاکمات جزائی و استرداد مجرمین

تغییر دهد

اگر قرار منع تعقیب، متهم مستند بجهات قانونی باشد (مثل اینکه مستظنی عمل را جرم ندانسته و یا آنکه آنرا مشمول مرور زمان یا عفو عمومی بداند) این قرار دارای اعتبار امر مختوم می باشد و با وجود کشف دلائل جدید تعقیب مجدد متهم جایز نخواهد بود مگر اینکه بواسطه پیدا شدن دلائل تازه سبب قانونی قرار منع تعقیب از بین برود. مثلاً کسی بجرم ارتکاب سرقت تعقیب مستظنی پس از انجام تحقیقات و تطبیق عمل با ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی نظر بگذشتن سه سال از تاریخ ارتکاب یا آخرین تعقیب قرار منع تعقیب صادر میکنند. پس از آن دلائل جدیدی کشف و معلوم میگردد که سرقت - مزبور عادی نبوده و مقرون بکیفیهائی بوده که جنایت محسوب میشود چون در این مورد سبب قانونی که موجب صدور قرار منع تعقیب شده بود (مرور زمان جنحه) در نتیجه ظهور دلائل جدید از بین میرود متهم مجدداً تعقیب خواهد گردید.

۲- احکام محاکم جزائی

بطور کلی احکام محاکم جزائی دارای اعتبار و نفوذ امر مختوم بوده و برای اینکه موجب عدم امکان اقامه مجدد دعوی گردد لازم است که حکم سابق محکمه نهائی و مربوط باصل قضیه و ماهیت دعوی باشد. احکام و قرارهای مقدماتی و موقتی محکمه دارای اعتبار امر مختوم نمی باشد مثل اینکه محکمه بموجب ماده ۱۷ اصول محاکمات جزائی حکم توقیف دعوی را تا ختم محاکمه حقوق صادر نماید چنین حکمی مانع از تعقیب دعوی جزائی پس از حصول نتیجه محاکمه حقوقی نخواهد بود.

موضوع اعتبار و نفوذ امر مختوم جزائی در محکمه حقوق و اعتبار و اثر امر مختوم حقوقی در محکمه جزا در فصل بعد ذکر خواهد شد.

گذشت شاکی خصوصی

بطوریکه سابق گفته شد تعقیب جنبه عمومی بعضی از جرائم موکول بشکایت مدعی خصوصی است. اگر در مورد این جرائم شاکی خصوصی ضمن تعقیب از شکایت خود صرف نظر نماید تعقیب جنبه عمومی آنها از بین میرود (مواد ۸۰ و ۸۱ قانون اصول محاکمات جزا).

چون این موضوع خلاف اصل کلی است که دعوی عمومی و دعوی خصوصی موضوعاً در دعوی مقابله و علیحده بوده و نباید تعقیب یا عدم تعقیب یکی در اقامه یا ترك دیگری مؤثر باشد لذا قانون باید صریحاً موارد استثنای را ذکر نماید (رجوع شود بماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی) در صورت سگرت قانون همیشه اصل کلی باید مزاعات شود.

بطوریکه مشاهده می شود قرار منع تعقیب مستند بهم کفایت دلائل بطور کلی و قرار منع تعقیب مستند بجهات قانونی بطور استثناء دارای يك اثر و اعتبار موقتی است یعنی تا وقتی معتبر محسوب میگردد که دلائل تازه کافی برای شروع مجدد دعوی کشف نشده باشد.

ب- قرار جاب بمحاکمه

این قبیل قرارها دارای اثر و اعتبار امر مقضی نبوده و نمیتوان بهیچوجه در نظریه و حکم محکمه که با ماهیت دعوی رسیدگی میکند مؤثر واقع گردد. بنا بر این محکمه میتواند بر خلاف نظریه مستظنی قرار عدم صلاحیت صادر نموده یا اینکه عمل را جرم نداند و یا بالاخره وصف فعل را از حیث تطبیق با مواد قانون مجازات

قانون لاحق

فرض اینست که عمل در موقع ارتکاب طبق قانون جرم باشد ولی تعقیب متهم در زمانی بعد آید که آن قانون نسخ شده و بموجب قانون جدید آن عمل جرم نباشد در این صورت دعوی عمومی بموجب قانون لاحق از بین می‌رود. همین معنی از ماده ۶ قانون مجازات عمومی استفاده میشود. مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از ارتکاب جرم قانونی مقرر شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات باشد نسبت به مجرمهای سابق بر وضع آن قانون نیز مؤثر خواهد بود.

موارد تملیق دعوای عمومی

تملیق دعوای عمومی عبارت از اینست که تعقیب یا محاکمه جزائی بواسطه عللی در مدت محدودی معلق و موقوف بماند.

از این تعریف فرق عمده که بین موارد سقوط و موارد تملیق دعوای عمومی موجود است روشن میشود. در صورتیکه موجبات سقوط دعوای جزائی را بکلی از بین میبرد جهات تملیق فقط بطور موقت تعقیب و محاکمه را موقوف میدارد و بعضی مرتفع شدن مانع دعوای مجدداً تعقیب خواهد شد.

جنون متهم و توقیف تعقیب جزائی تا صدور حکم قطعی محکمه حقوق (موارد اناطه) از جمله جهات تملیق دعوای عمومی میباشد.

۱ - جنون متهم

جنون ممکن است در حین ارتکاب جرم یا زمان تعقیب و محاکمه یا پس از آن حادث گردد.

اگر حالت جنون در حین ارتکاب مجرم باشد مرتکب مجرم محسوب نگردیده تعقیب نمیشود. ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی میگوید: کسیکه در حال ارتکاب

جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت ولی در صورت بقای جنون باید بدارالمجانین تسلیم شود.

اگر کسی در حال و باداشتن مسئولیت جزائی مرتکب جرمی شود و بعداً دیوانه شود مادامیکه در این حال باقی است ادامه تحقیقات و محاکمه او ممکن نخواهد بود. (ماده ۸ اصول محاکمات جزا)

علم و فلسفه تملیق تعقیب و محاکمه تا زمان برطرف شدن حال جنون اینست که متهم در آن وضعیت نمیتواند از خود دفاع کند.

در صورتیکه مستنطق ضمن تحقیقات مشاهده کند که متهم مجنون یا مشاعرش مختل است پس از کسب نظریه پزشکی و استعلام از کسان واقربای متهم مراتب را بمدعی - العموم ابتدائی گزارش میدهد مدعی العموم در صورت حصول اطمینان بحال متهم از مستنطق تقاضای ترك تعقیب او را خواهد نمود. (ماده ۸۹ اصول محاکمات جزا)

در صورتیکه جنون بعد از تحقیقات مقدماتی و قبل از محاکمه ظاهر گردد تحقیقات راجع بحال متهم در خود محکمه بعمل خواهد آمد (ماده ۹۰ اصول محاکمات جزا).

باید دانست که اقدامات و عملیاتی موقوف می‌شود که متوجه شخص متهم مجنون است بنابراین این تعقیب و محاکمه شرکاء و معاونین جرم مانعی نداشته و حتی نسبت بشخص متهم نیز فقط عملیاتی موقوف میماند که تماس مستقیم با او دارد مثل بازجوئی و قرار توقیف.

در صورتیکه حال جنون بعد از محکومیت و قبل از اتمام مدت حبس ظاهر شود طبق گواهی پزشکی قانونی محکوم را به دارالمجانین منتقل نموده و اقامت او در آنجا جزو مدت محکومیت محسوب خواهد شد. (قانون تعیین تکلیف محکومین بحبس که مبتلا بجنون میشوند مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۰۷).